

عضو شورای اسلامی شهر تهران:
باید اداره کل گردشگری
در شهرداری تهران ایجاد شود

عضو چهارمین دوره شورای اسلامی شهر تهران بایان اینکه بحث گردشگری یکی از مسائل و موضوعاتی بوده که در شهرداری تهران مظلوم مانده بود، افزود: «در نوروز ۹۳ کار شایسته‌ای انجام شد که نقطه شروعی در رویکرد گردشگری شهر تهران بود تا بتوان در نهایت اداره کل گردشگری در شهرداری تهران ایجاد کرد، به گزارش

خبرنگار همشهری محله «محمدسالاری» به فعالیت‌های مناسب شهرداری تهران در حوزه گردشگری و تهران‌گردی اشاره کرد و ادامه داد: «این موضوع می‌تواند موجب بسترسازی و ایجاد اداره کل گردشگری در شهرداری تهران باشد تا از این طریق بتوان تهران‌گردی را در پایتخت گسترش داد.»

برلین که مدتی است

دارم، اما می‌شود

فیلم برلین افتخار دیگری برای ایرانیان به ارمغان آورد، اما این مسایله مهربان و صمیمی در دل اهالی محله جا باز کرده است. می‌کند. با او که به گفت‌وگو می‌نشینیم تا از زندگی، علاقه، هنر و جشنواره فیلم فجر بر شانه‌اش بنشینند.

ایران می‌گیرم. اکنون همه جایزه‌هایم را در موزه سینما گذاشته‌ام. از مدیر ارشاد و شهردار وقت تبریز قدردانی می‌کنم که از من تجلیل کردند و اسم سینمایی را در تبریز به نام من گذاشتند و ۲ تندیس مرا ساختند و یکی را مقابل سینمای تبریز و دیگری را در موزه سینما نصب کردند. من همیشه از خودم راضی هستم. در ذهن من جایزه و مادیات نیست، بلکه دلم می‌خواهد فیلم‌هایی ماندگار از خود باقی بگذارم. دوست دارم نقش مولانا را بازی کنم. من همیشه می‌گویم خدا، آنتونی کوئین را رحمت کند. بازیگر خوبی بود. بازی در فیلم‌های «عمر مختار» و «محمد رسول الله (ص)» شاهکار اوست. من عاشق این گونه کارها هستم. خداوند متعال قسمت کند که من هم بتوانم چنین فیلم‌هایی را بازی کنم. هنوز به این آرزویم نرسیده‌ام. فیلم‌های خوبی بازی کرده‌ام. با اینکه تاکنون جوایز بسیاری دریافت کرده‌ام اما در عالم هنر، خود را در نقطه صفر فرض می‌کنم. هنر، بسیار بیکران است. انسان نباید مغرور باشد. من وقتی از پله‌های سن بالا می‌روم و از مردم بالاتر قرار می‌گیرم خاک پای مردم را می‌بوسم که غرور مرا نگیرد.

فیلمنامه‌نویس خوب نداریم

این روزها فکر می‌کنم در حوزه سینما خیلی افت کرده‌ایم و سینما کم‌کم در حال ضعیف شدن است که باید علت‌یابی شود. به عبارتی فیلمنامه خوب در سینمای ما نیست. از سوی دیگر تعداد سینماها کم و سینماهای موجود هم فرسوده شده. البته بهترین کارگردان، بازیگر و عوامل مختلف فیلم را داریم، اما در حوزه فیلمنامه ضعیف هستیم، در حالی که باید در چارچوب جمهوری اسلامی همه نوع فیلم ساخته شود برای همه سلیقه‌ها و در همه حوزه‌های مختلف اجتماعی، مذهبی، جنگی، هنری و طنز. در جشنواره فیلم فجر امسال، چند فیلم خوب دیدم اما فیلمنامه خوب ندیدم. با این وضعیت، کارگردان چه کند؟ تعداد کارگردانی که فیلمنامه اثر خود را می‌نویسند کم است. باید برای فیلمنامه‌نویسی فکری کرد و با استعدادیابی در این زمینه به ارتقای این بخش مهم سینما کمک کرد.

زندگی خوب در منطقه خوب

آرزو می‌کنم که امسال، سالی پر بار برای همه مردم کشور باشد و سینمای ما از جایگاه بهتری برخوردار شود و جوانان پرکار باشند. ۲ سال و نیم پیش از تبریز به بلوار دریا آمدم. ۶ ماه آنجا بودم و سپس به سعادت‌آباد نقل مکان کردم. تهران برای من محل کار محسوب می‌شود نه محل زندگی. تبریز را دوست دارم چون معتقدم که شهرستان برای زندگی بهتر است. در واقع منطقه ۲ را دوست دارم، اما هیچ جا برایم تبریز نمی‌شود.

سعادت‌آباد همه چیز دارد. بیمارستان، داروخانه، بازار میوه و تره‌بار و همه ملزومات یک زندگی خوب در محله ما هست. اوقات فراغتم فیلم می‌بینم، کتاب و فیلمنامه می‌خوانم و به سینما آریکه می‌روم. بوستان پرواز به محله ما نزدیک است. گاهی هم به پارک می‌روم. من سینما را از دیگر حوزه‌ها بیشتر دوست دارم. این روزها پیشنهاد بازی در چند فیلم کوتاه داشتم که قبول نکردم. یک پیشنهاد سریال هم دارم که شاید قبول کنم.

کارنامه هنری رضا ناجی در سینما

۱۳۹۱	←	ترنج در ترنج
۱۳۹۰	←	من و زیبا
۱۳۹۰	←	یک سطر واقعیت
۱۳۸۹	←	کمی شیرین، بسی فرهاد
۱۳۸۹	←	مامان بهروز منو زد
۱۳۸۸	←	نیمه پنهان ماه
۱۳۸۸	←	پرواز مرغابی‌ها
۱۳۸۸	←	پاییز
۱۳۸۷	←	پای پیاده
۱۳۸۶	←	آواز گنجشک‌ها
۱۳۸۶	←	باد در علفزار می‌پیچد
۱۳۸۵	←	سرگیجه
۱۳۸۵	←	یک قدم تا خدا
۱۳۸۳	←	برای آمدنت دعا می‌کنم
۱۳۸۳	←	باغ‌های کندلوس
۱۳۸۳	←	بید مجنون
۱۳۸۲	←	او
۱۳۸۲	←	باران رؤیاها را نمی‌شوید
۱۳۸۰	←	پرنده باز کوچک
۱۳۷۹	←	باران
۱۳۷۷	←	پرواز خاموش
۱۳۷۶	←	تولد یک پروانه
۱۳۷۵	←	بچه‌های آسمان
۱۳۷۵	←	فرار از جهنم
۱۳۶۸	←	گل سرخ

هنرمند هم‌محله‌ای در فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی

۱۳۹۱	←	دردسرای زیبا
۱۳۹۰	←	بیدارباش
۱۳۸۹	←	موج و صخره
۱۳۸۹	←	خانه به خانه
۱۳۸۸	←	من پلیس نیستم
۱۳۸۸	←	از یاد رفته
۱۳۸۷	←	زمانی برای درنگ



پشت صحنه فیلم تحسین شده «آواز گنجشک‌ها»

قدردانی از همراه همیشه

از همسر برای همراهی همیشگی‌اش سپاسگزار می‌کنم. زمانی که هیچ‌کس کنارم نبود و همیشه همراه و همدل من بود. پس از بازی در نمایشی که ۷ جایزه در سومین جشنواره تئاتر کارگری اصفهان گرفت در جاده تصادف کردیم که ۷ جای من شکست و ۲ ماه در بیمارستان بستری شدم. ۴ ماه در خانه با چوب دستی راه می‌رفتم و ۴ سال خانفشن شدم که در همه این مدت همسر کنارم بود و از من پرستاری کرد.

